



Conflict of Ideologies in South Caucasus Geopolitics; Pan-Turkism and the Islamic Republic of Iran

Reza Kadkhodazade *
Morteza Alavian **

E-mail: Rezakadkhodazade@ut.ac.ir
E-mail: M.alavian@umz.ac.ir

Received: 2024/02/16

Revised: 2024/09/13

Accepted: 2024/09/16

Doi: 10.22034/RJNSQ.2024.448710.1583

Abstract:

Pan-Turkism is a political ideology based on race, ethnicity and language that emphasizes the unity and solidarity of the communities of all the speakers of one of the branches of the Turkish language, and based on this idea, it is also considered an irredentist movement that pursues the territorial annexation of said communities to each other. The idea whose achievement will cause the disintegration of several countries, including Iran, and for this reason, it is a serious threat to Iran's national security, existence and territorial integrity. Pan-Turkism is currently in fundamental conflict with the policies of the Islamic Republic of Iran in the South Caucasus region. Considering the special conditions of the South Caucasus and the fact that the majority of its population is Muslim and Shiite, this region has been one of the main regions where the Islamic Republic of Iran has pursued its ideology in it. Therefore, the main question is, How does the ideology of Pan-Turkism threaten the idea of the Islamic revolution? The findings of the research are that Pan-Turkism ideology not only acts as a threat and a barrier to pursue the idea of Islamic revolution in the South Caucasus, but it seems that this ideology has now become a vital threat to the territorial integrity of the country. The research method of this study is descriptive – analytical and library data collection tools. The theoretical framework of the research is based on the Holsti's triple division of foreign policy of countries in achieving their policy objectives.

Keywords: Pan-Turkism; South Caucasus; Islamic Republic of Iran; Republic of Azerbaijan; Idea of Islamic Revolution.

* Ph.D. Student of Political Science, Mazandaran University, Mazandaran, Iran (Corresponding Author).

** Associate Professor of Political Science and Faculty Member of Mazandaran University, Mazandaran, Iran.

تقابل ایدئولوژی‌ها در ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی؛ پان‌ترکیسم و جمهوری اسلامی ایران

نوع مقاله: پژوهشی

رضا کدخدازاده*

مرتضی علویان**

E-mail: Rezakadkhodazade@ut.ac.ir

E-mail: M.alavian@umz.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۶/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۲۶

چکیده

پان‌ترکیسم یک ایدئولوژی سیاسی مبتنی بر نژاد، قومیت و زبان است که بر وحدت و همبستگی جوامع تمامی گویشوران به یکی از شاخه‌های زبان ترکی تأکید دارد و براساس همین ایده، جریانی الحاق‌گرا نیز به‌شمار می‌رود که الحاق سرزمینی جوامع مزبور به یکدیگر را دنبال می‌کند؛ ایده‌ای که دستیابی به آن باعث تجزیه چندین کشور از جمله ایران می‌شود و به همین دلیل، تهدیدی جدی برای امنیت ملی، موجودیت و تمامیت سرزمینی ایران است. درحال حاضر، این ایدئولوژی به‌طور مشخص در منطقه قفقاز جنوبی با سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در این منطقه در شرایط تضاد بنیادین قرار دارد. با توجه به شرایط خاص قفقاز جنوبی و اینکه اکثریت نفوس آن مسلمان و اهل تشیع هستند، این منطقه از اصلی‌ترین مناطقی بوده که جمهوری اسلامی ایران از ابتدای انقلاب اسلامی، ایدئولوژی خود را در آن پیگیری کرده است؛ از این‌رو، پرسش اصلی این است که «ایدئولوژی پان‌ترکیسم چگونه ایده انقلاب اسلامی را تهدید می‌کند؟». یافته‌های پژوهش از این قرار است که ایدئولوژی پان‌ترکیسم، نه تنها به‌عنوان تهدید و سدی برای پیگیری ایده انقلاب اسلامی در قفقاز جنوبی عمل می‌کند، بلکه به‌نظر می‌رسد این ایدئولوژی درحال حاضر تهدیدی حیاتی برای تمامیت سرزمینی کشور نیز باشد. روش تحقیق این پژوهش، توصیفی - تحلیلی و ابزار گردآوری داده‌های مطالعات، کتابخانه‌ای است. چهارچوب نظری پژوهش بر پایه تقسیم‌بندی سه‌گانه هالستی از سیاست خارجی کشورها در دستیابی به اهداف سیاست‌های خود است.

کلیدواژه‌ها: پان‌ترکیسم، قفقاز جنوبی، جمهوری اسلامی ایران، جمهوری آذربایجان، ایده انقلاب اسلامی.

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه مازندران. مازندران. ایران (نویسنده مسئول).
** دانشیار علوم سیاسی و عضو هیئت‌علمی دانشگاه مازندران. مازندران. ایران.

مقدمه و بیان مسئله

منطقه قفقاز جنوبی یکی از مناطق حساس و استراتژیک در نقشه ژئوپلیتیکی ایران است. این منطقه بر مبنای تعریف بری بوزان و آلی ویور یکی از «مجموعه‌های امنیتی» در جهان است و بر این پایه، «مجموعه‌ی امنیتی قفقاز جنوبی متشکل از واحدهای مستقل ملی و فروملی و بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است که فرایندهای عمده‌ی امنیتی کردن و غیرامنیتی کردن یا هر دو آن‌ها چنان در هم تنیده شده‌اند که مشکلات امنیتی آن‌ها نمی‌تواند جدای از یکدیگر تحلیل یا حل و فصل شود» (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۶: ۸۶). به همین دلیل، تحولات این منطقه به‌ویژه تهدیدهای موجود در آن، به‌شدت می‌تواند جمهوری اسلامی ایران را نیز متأثر کند. همچنین، مجاورت این مجموعه امنیتی مهم با ایران تهدیدهای احتمالی منبعث از آن را برای ایران بیشتر می‌کند؛ چراکه در بحث امنیت، مجاورت امری خطیر و بسیار مهم است؛ زیرا اغلب تهدیدها، فواصل کوتاه را به‌مراتب سریع‌تر و آسان‌تر از فواصل طولانی طی می‌کند (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۵۶). اهمیت منطقه قفقاز جنوبی برای جمهوری اسلامی ایران تاحدی است که هرگونه تغییر در ژئوپلیتیک این منطقه توسط مقامات رسمی کشور در بالاترین سطوح (رهبری، رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه) به‌عنوان خط قرمز ایران معرفی شده است (پاک‌آئین، ۱۴۰۱).

در نگاه مقامات عالی جمهوری اسلامی ایران، انقلاب اسلامی ایران انقلابی مکتبی است که اصول و اهداف غیرقابل تفکیک از یکدیگر دارد و بر این پایه، بسیاری از اصول و ارزش‌های آن، اهداف آن نیز هستند. در این راستا، رهبری تأکید دارد: «اساس انقلاب، مثل خود اسلام، بر احکام ثابت و احکام متغیر استوار است. یک سلسله احکام، تغییرناپذیر است؛ یک سلسله احکام در شرایط گوناگون تغییر پیدا می‌کند. انقلاب هم همین‌طور است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۱). این احکام ثابت و تغییرناپذیر انقلاب اسلامی را می‌توان ذیل عنوان «ایده انقلاب اسلامی» قرار داد؛ مواردی مانند توحید، عدالت، امامت و ولایت، استکبارستیزی، استعمارستیزی، استقلال در تمامی سطوح (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی)، همبستگی و وحدت ملی، حاکمیت اسلام و اتحاد ملل اسلامی (گلستانه، ۱۳۹۳). همچنین، ایده انقلاب اسلامی دارای مؤلفه‌هایی از جمله «حفظ اصل نظام» است (مظاهری، ۱۴۰۰: ۱۱۰) و بر این مبنای هر ایدئولوژی یا جریانی که به‌عنوان سدی در برابر آن عمل کند، تهدیدی برای ایده انقلاب اسلامی خواهد بود. بر این اساس، ایدئولوژی‌های مبتنی بر نژاد و قومیت را می‌توان به‌عنوان یکی از تهدیدهای جمهوری اسلامی ایران شناسایی کرد.

مبنای ایدئولوژی قومیت‌گرای «پان‌ترکیسم» این است که تمامی جوامع ترک‌تبار و حتی ترک‌زبان، باید گرد هم آیند و یک ملت واحد را تحت لوای یک دولت مستقل و واحد تشکیل دهند (رضا، ۱۳۸۳: ۵۴۹). بیشینه نظریه‌پردازان این ایدئولوژی معتقدند این دولت واحد و مستقل تُرک باید به رهبری ترکیه تأسیس شود (رسول‌زاده، ۱۳۹۲: ۴۹). در مجموع، هدف بنیادین پان‌ترکیسم این است که تمامی ترک‌زبانان جهان، شامل ترک‌زبان‌های ترکیه، قفقاز، آسیای مرکزی، شبه‌جزیره بالکان، چین، روسیه، افغانستان و ایران را تحت رهبری ترکیه گرد هم آورد (رضا، ۱۳۸۳: ۵۵۰). بر این اساس می‌توان گفت پان‌ترکیسم یک ایدئولوژی الحاق‌گرا نیز است که هدف غایی آن ایجاد کشوری سراسر تُرک است. همین امر به‌تنهایی آن را به تهدیدی برای ایده انقلاب اسلامی تبدیل می‌کند؛ از این رو، ایدئولوژی‌های قومیتی و الحاق‌گرا همچون پان‌ترکیسم را می‌توان به‌عنوان یک «تهدید حیاتی» علیه تمامیت ایران نیز شناسایی کرد؛ چراکه این ایدئولوژی تهدیدی برای تمامیت ارضی ایران است. چنان‌که گفته شد، استقلال (در تمامی سطوح)، همبستگی و وحدت ملی از مؤلفه‌های ایده انقلاب اسلامی هستند و ایدئولوژی پان‌ترکیسم به‌صورت مستقیم، تهدیدی برای این مؤلفه‌ها است. همچنین، اگر ایران یکپارچه وجود نداشته باشد، پیگیری سایر مؤلفه‌های ایده انقلاب اسلامی قابل‌پیگیری نخواهد بود.

در نوشتار حاضر، ایدئولوژی پان‌ترکیسم ساری و جاری در منطقه قفقاز جنوبی که بیشتر توسط دولت باکو، رژیم صهیونیستی و ترکیه در این منطقه دنبال می‌شود مورد بررسی قرار می‌گیرد. با توجه به یافته‌های این مقاله، به‌نظر می‌رسد پان‌ترکیسم در قفقاز جنوبی را می‌توان به‌عنوان «تهدیدی همه‌جانبه» برای جمهوری اسلامی ایران قلمداد کرد. بر این مبنای، در تقسیم‌بندی سه‌گانه اهداف سیاست خارجی، تقابل با این ایدئولوژی برای جمهوری اسلامی ایران در تمامی سطوح مزبور، امری ضروری است.

پرسش پژوهش

ایدئولوژی پان‌ترکیسم چگونه ایده انقلاب اسلامی را تهدید می‌کند؟

روش پژوهش

در مقاله حاضر، تلاش شده به پرسش پژوهش براساس روش توصیفی - تحلیلی پاسخ داده شود.

پیشینه پژوهش

عطاء‌الله عبدی، مراد کاویانی راد و حسین سیف‌الدینی در مقاله‌ای با عنوان «بررسی علت وجودی جمهوری آذربایجان» (۱۳۹۸) به این موضوع پرداخته‌اند که اساساً علت وجودی جمهوری آذربایجان در تقابل با ایران قرار دارد. نویسندگان با تجزیه و تحلیل داده‌های تاریخی و مواضع اعلامی و اعمالی دولت باکو، به این نتیجه رسیده‌اند که تضادهای تخصصات فرهنگی و ژئوپلیتیک این دولت با ایران، ریشه در «علت وجودی» جمهوری آذربایجان دارد. در مقاله مزبور، به ریشه‌های ایدئولوژیک این مسئله پرداخته نشده که در مقاله حاضر تلاش شده است به این امر نیز پرداخته شود.

محمدحسین افشردی و حسین اکبری در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر عوامل ژئوپلیتیکی شیعه بر توسعه نفوذ انقلاب اسلامی» (۱۳۹۲) به تأثیر مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی شیعه در حوزه‌های مختلف سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند. در مقاله مزبور به ظرفیت‌های ژئوپلیتیک تشیع برای گسترش ایده انقلاب اسلامی و برخی موانع کلی آن پرداخته شده است؛ اما به‌طور مشخص، به این ظرفیت و سایر ظرفیت‌های ایدئولوژیک ایران و موانع پیش روی آن در قفقاز جنوبی پرداخته نشده است که در مقاله حاضر به این مهم پرداخته خواهد شد.

سیاوش دادگر در مقاله‌ای با عنوان «اقدامات ضداسلامی و ضدایرانی جمهوری آذربایجان در چند سال اخیر» (۱۳۹۴)، فهرستی از اقدامات ضدایرانی و ضداسلامی دولت باکو را بیان کرده است که منبع مناسبی برای آشنایی با رویکردهای تقابلی دولت باکو با اهداف و آرمان‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران است. در مقاله مزبور، تحلیل و تبیین موارد ذکر شده با رویکرد ژئوپلیتیک و براساس طبقه‌بندی نظام‌مند منافع و اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران انجام نگرفته است که در مقاله حاضر تلاش شده این کار صورت گیرد.

چهارچوب و الگوی مفهومی پژوهش

چهارچوب نظری این نوشتار براساس تقسیم‌بندی سه‌گانه هالستی از سیاست کشورها در دستیابی به اهداف موردنظر خود است. بر این پایه، اگر سیاست کشورها را به شکل سلسله‌مراتبی و از نظر اهمیت، به ترتیب از اهمیت کمتر به اهمیت بیشتر تقسیم‌بندی کنیم، «اهداف بلندمدت» همچون ساختن نظم جدید جهانی و ایدئولوژیکی دارای کمترین اهمیت، «اهداف میان‌مدت» شامل ترویج ارزش‌های خود در خارج از مرزها، نفوذ منطقه‌ای

و توسعه فرصت‌های اقتصادی در خارج دارای اهمیت متوسط و «اهداف حیاتی» مانند یکپارچگی سرزمینی (تمامیت ارضی)، وحدت ملی و امنیت ملی، دارای بیشترین اهمیت و فوریت هستند (هالستی، ۱۳۹۴: ۲۲۲). اهداف بلندمدت به‌طور مستقیم به حیات، موجودیت و امنیت کشور مربوط نیست و تهدید آن‌ها موجودیت و امنیت کشور را دچار خطر جدی نمی‌کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۱۴۶). اهداف میان‌مدت از یک‌سو، با اهداف کوتاه‌مدت و از سوی دیگر، با اهداف حیاتی کشورها در ارتباط است و دولت‌ها در راه رسیدن به آن ترکیبی از هدف‌های استراتژیک و ایدئولوژیک را پیگیری می‌کنند (قوام، ۱۳۹۱: ۱۳۱-۱۳۰). اهداف حیاتی بیشترین ارتباط را با حفظ موجودیت یک واحد سیاسی دارند و به‌نوعی «اهداف کوتاه‌مدت» نیز هستند؛ زیرا هیچ واحد سیاسی بدون حفظ موجودیت خود نمی‌تواند به سایر اهداف خویش دست یابد (هالستی، ۱۳۹۴: ۲۲۱). این اهداف مبتنی بر منافعی است که به‌هیچ‌وجه قابل مذاکره و مصالحه نیست و کشورها در نیل به آن حتی به قوه قهریه نیز متوسل می‌شوند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۱۴۵). در دوران کنونی جهان، اغلب سیاست‌گذاران این امر را پذیرفته‌اند که حیاتی‌ترین هدف سیاست خارجی هر کشوری تضمین حاکمیت، استقلال میهن و حفظ نظام سیاسی و اجتماعی خاصی است که در آن سرزمین پا گرفته است و وجود دارد (هالستی، ۱۳۹۴: ۲۲۳).

در نوشتار حاضر، تهدیدهای ایدئولوژی پان‌ترکیسم برای اهداف سه‌گانه جمهوری اسلامی با تمرکز بر منطقه قفقاز جنوبی تحلیل می‌شود.

پان‌ترکیسم و تهدید اهداف بلندمدت ایران

۱- تقابل پان‌ترکیسم با ایده ساختن نظم جدید جهانی

یکی از اهداف بلندمدت در سیاست‌های ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران برهم‌زدن نظم کنونی جهان است که نظمی استکباری و مبتنی بر استعمار نوین است. در سال‌های اخیر، این نوع رویکرد حتی از سال‌های آغازین انقلاب اسلامی نیز پررنگ‌تر شده است؛ به‌طوری‌که رهبری در سال ۱۴۰۱ به‌صراحت بیان داشت: «امروز جهان در آستانه یک نظم جدید است؛ یک نظم بین‌المللی جدید در پیش است برای دنیا. ... همه کشورها از جمله کشور ایران اسلامی ما وظیفه دارند جوری در این نظم جدید حضور پیدا کنند؛ حضور سخت‌افزاری و حضور نرم‌افزاری که بتواند امنیت کشور را و منافع کشور را و ملت را تأمین کند» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱ الف). این بیانات از مقامات عالی نظام جمهوری اسلامی ایران حاکی از آن است که می‌توان «نظام‌سازی» را یکی از اهداف بلندمدت در سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران



دانست. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز گزاره‌هایی دال بر اینکه نظام‌سازی در سطح جهانی از اهداف ایران است به چشم می‌خورد. چنان‌که در مقدمه قانون اساسی آمده است: «ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب در انطباق با هدف یادشده شکل داده می‌شوند و نه تنها حفظ و حراست از مرزها بلکه رسالت مکتبی، یعنی جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان را نیز عهده‌دار خواهند بود» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۷: ۱۲).

بدون شک، یکی از موانع اساسی پیش روی جمهوری اسلامی ایران در نیل به اهداف یادشده و به‌ویژه ساختن نظم جدید جهانی که مبتنی بر احکام الهی باشد، رژیم صهیونیستی است. در منطقه قفقاز جنوبی، رژیم اسرائیل، تقابل با این رویکرد جمهوری اسلامی ایران را از طریق همکاری‌های استراتژیک با دولت باکو و به‌طور مشخص، از طریق ایدئولوژی پان‌ترکیسم پیش می‌برد. از آنجاکه اساس تأسیس رژیم صهیونیستی مبنای نژادگرایانه دارد، این رژیم به‌خوبی می‌تواند از ایدئولوژی‌های نژادگرایانه برای پیشبرد اهداف خود بهره‌برداری کند. اسرائیل براساس سیاست «دکترین پیرامون» که توسط بن‌گورین طرح‌ریزی شده است، سیاست‌های هویتی مبتنی بر پان‌ترکیسم را در قالب برنامه‌های وسیعی در جمهوری آذربایجان مطرح می‌کند و به اجرا درمی‌آورد (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۵: ۲۵). تل‌آویو در سال‌های اخیر نیز کنفرانس‌های متعددی را با موضوع «ترک‌شناسی» برگزار کرد و اساتید دانشگاه‌های این رژیم مقالات متعددی را به رشته تحریر درآورده‌اند که در آن‌ها، تبلیغ ایدئولوژی پان‌ترکیسم در انحاء گوناگون در دستور کار قرار گرفته است (اسدی، ۱۳۸۵: ۸۱). رژیم صهیونیستی حتی به اذعان یک مقام امنیتی خود، برنامه براندازی جمهوری اسلامی و نابودی فناوری هسته‌ای ایران را نیز از طریق سیاست‌های قومیتی و تحریک گروه‌های زبانی در ایران دنبال می‌کند (مرداخی، ۲۰۲۴). سیاست کنترل و تأثیرگذاری بر پروژه‌ی پان‌ترکیسم در منطقه‌ی قفقاز یکی از اهداف کلان اسرائیل در این منطقه است (فلاح، ۱۳۸۹: ۴۹). این موارد حاکی از آن است که ایدئولوژی پان‌ترکیسم در منطقه قفقاز جنوبی، در تقابل با نظام‌سازی موردنظر جمهوری اسلامی ایران عمل می‌کند.

۲- تقابل پان‌ترکیسم با ایده وحدت اسلامی

ایده وحدت کشورهای اسلامی را می‌توان یکی از اهداف بلندمدت جمهوری اسلامی ایران دانست. چنان‌که در مقدمه‌ی قانون اساسی تأکید شده: «قانون اساسی با توجه به

محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند؛ به‌ویژه در گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی، می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۷: ۱۰). در این باره، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی نیز بیان داشته است: «اسلام از شما اتحاد می‌خواهد... بیایید و این کارها را کنار بگذارید و با هم متحد شوید تا همه با یکدیگر برادر شوید. مطمئن باشید که اگر همه با هم متحد شوید، پیروزید و شرق و غرب هرگز نمی‌توانند بر شما حکومت کنند (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۵: ۱۷۲). آیت‌الله خامنه‌ای نیز در بسیاری از سخنان خود در مقاطع مختلف، بر پیگیری وحدت ملل اسلامی در سیاست‌های جمهوری اسلامی تأکید داشته است: «ما با این انگیزه صحیح، مسئله وحدت مسلمین را در جمهوری اسلامی، یک مسئله اساسی قرار داده‌ایم. امام [نیز] بارها فرمودند [و] ارگان‌های مختلف جمهوری اسلامی نیز بر این اساس برنامه‌ریزی و طراحی و تلاش کردند و ماها هم سخنرانی کردیم» (خامنه‌ای، ۱۳۶۹).

ایدئولوژی‌های نژادگرایانه مانند پان‌ترکیسم، مانعی جدی در نیل به هدف وحدت ملل اسلامی است. به‌طور مشخص، در منطقه قفقاز، این ایدئولوژی مانعی در راه وحدت مسلمانان آن با سایر مسلمانان جهان از جمله ایران است. در این منطقه، پان‌ترکیسم به‌عنوان پدیده‌ای غیراجتماعی و دولتی بوده که در تقابل با دین اکثریت مردم آن است (فنز، ۲۰۰۴: ۱۶۶). در منطقه‌ی قفقاز جنوبی، این ایدئولوژی بیش از همه توسط دولت باکو پیگیری می‌شود و برخی از مراجع رسمی این کشور آن را در تقابل با ایده وحدت اسلام مطرح کرده‌اند؛ مبنی بر اینکه در وحدت تُرکان، دین اسلام پس از تُرک بودن و ریشه اغوزی داشتن، دارای اهمیت کمتری است (احمدی، ۱۳۹۶: ۶۹). در راستای پیگیری ایدئولوژی پان‌ترکیسم در تقابل با اسلام، بیشترین برخوردهای قضایی دولت باکو در دو دهه اخیر، با فعالان سیاسی اسلام‌گرا صورت گرفته است؛ به‌طوری‌که رئیس کمیته دفاع از حقوق زندانیان جمهوری آذربایجان معتقد است محکومیت حدود شصت تا هفتاد درصد زندانیان سیاسی در این کشور به‌دلیل عقاید دینی است (وطن اورگاندا، ۲۰۱۹).

پان‌ترکیسم و تهدید اهداف میان‌مدت ایران

۱- تقابل پان‌ترکیسم با ترویج ارزش‌های ایران در خارج از مرزها

یکی از سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون، تبلیغ و



ترویج ارزش‌های خود در خارج از مرزهای سیاسی ایران بوده است. این ارزش‌ها با توجه به مختصات ایده انقلاب اسلامی، منبعث از اسلام سیاسی و به‌ویژه تشیع است. نظام ارزشی موردنظر بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، برآمده از اسلام شیعی است که مکتبی توحیدی بوده و غنای مفهومی و محتوایی آن باید تمامی زوایا و زمینه‌های زندگی مسلمانان و شئون فردی، اجتماعی، مادی و معنوی آن‌ها را دربرگیرد (اخوان مفرد، ۱۳۸۰: ۵۱). با توجه به اینکه اکثریت جمعیت منطقه قفقاز جنوبی شیعه هستند، تشیع به‌عنوان یکی از عوامل مهم در توسعه‌ی ایده‌ی انقلاب اسلامی در این منطقه موردتوجه جمهوری اسلامی قرار داشته است (افشردی و اکبری، ۱۳۹۲: ۴۵). با توجه به چنین اهمیتی، طبیعی است که هرگونه مانعی برای ترویج آن در خارج از مرزهای ایران می‌تواند به‌عنوان تهدیدی برای منافع جمهوری اسلامی ایران تلقی شود. اگر در منطقه «غرب آسیا»، وجود رژیم صهیونیستی، دخالت‌های کشورهای غربی، به‌ویژه امریکا و ایدئولوژی‌های سلفی همچون وهابیت را جدی‌ترین تهدیدهای جمهوری اسلامی ایران بدانیم، در منطقه قفقاز جنوبی، ایدئولوژی پان‌ترکیسم را می‌توان جدی‌ترین تهدید ایران دانست؛ تهدیدی که از قضا در ذیل آن، پای رژیم صهیونیستی و کشورهای غربی به‌ویژه امریکا را در منطقه مزبور باز کرده است.

در قفقاز جنوبی - به‌طور مشخص در جمهوری آذربایجان - دولت این کشور با بی‌توجهی آشکار و پنهان به اسلام (دین اکثریت مردم آن) و تشیع (مذهب اکثریت مردم آن)، ایدئولوژی‌های سکولاریسم و پان‌ترکیسم را در دولت‌مجلس‌سازی در دستور کار خود قرار داده است (هانتر، ۱۳۸۲: ۲۵۲). همچنین، با توجه به سرگشتگی هویتی عمیق بین چهار عنوان مسلمان، تاتار، تُرک و آذربایجانی در یک قرن گذشته، هویت مذهبی در این کشور به‌شدت تضعیف شده است (عبدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۱). به‌نظر می‌رسد رویکرد شیعه‌ستیزانه‌ی دولت باکو بیشتر در راستای تقابل با ایران بوده است؛ چراکه مذهب شیعه یکی از ارزش‌های موردنظر جمهوری اسلامی ایران است. در تأیید این مدعا می‌توان به مواردی همچون ممنوعیت رسمی فعالیت روحانیون شیعه منتسب به جمهوری اسلامی ایران توسط رئیس‌جمهور این کشور اشاره کرد (کرنل، ۲۰۰۶: ۴۳). این‌گونه اقدامات دولتمردان باکو تنها در مورد اتباع ایرانی انجام نگرفته و حتی در مورد اتباع خود نیز انجام شده است و بر این اساس، شهروندان دولت باکو که در زمینه فعالیت‌های مذهبی مبتنی بر تشیع فعالیت می‌کنند مورد پیگیری قرار گرفته و در مواردی نیز آن‌ها به جرم جاسوسی و

وابستگی به ایران، متهم و مجازات می‌شوند (سرحدچی، ۱۳۹۴: ۱۷۱). بنا به اظهارات مادر یکی از فعالان شیعه زندانی در زندان‌های دولت باکو به نام «عباس حسین‌اف»، به هنگام شکنجه در زندان، وی را جاسوس ایران خطاب می‌کردند (اپراتیو، ۲۰۱۹).

دولت باکو حتی فعالیت تشکل‌های قانونی شیعیان این کشور مانند «حزب اسلامی آذربایجان» را نیز به اتهام حمایت آن‌ها از ایران و حمایت ایران از آن‌ها ممنوع کرده است (یونس، ۲۰۰۶: ۱). نکته قابل تأمل در بحث ستیز دولت باکو با تشیع در این کشور اینکه در برابر این رویکرد، سلفی‌گری رشد چشمگیری داشته و این امر با عدم برخورد دولت مواجه شده است. بر پایه برخی از پژوهش‌ها، دگرگشت مذهبی در میان مردم جمهوری آذربایجان، از تشیع به سلفی‌گری، نمود قابل توجهی یافته و به‌عنوان شاهدی بر این مدعا، می‌توان به مسجد «ابوبکر باکو» اشاره کرد که محل رسمی تجمع سلفی‌ها شده است (متوسیان و میناسیان، ۲۰۱۷: ۴).

۲- تقابل پان‌ترکیسم با نفوذ منطقه‌ای ایران

یکی از سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران که می‌توان آن را ذیل اهداف میان‌مدت کشور قرار داد، نفوذ منطقه‌ای ایران در قالب منطقه‌گرایی است. بر این اساس، در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، منطقه‌گرایی در قالب همکاری با کشورهای همسایه دنبال می‌شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۴۳). در اسناد بالادستی کشور تأکید قابل توجهی به جایگاه برتر جمهوری اسلامی ایران در منطقه شده است (سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴). رویکرد جمهوری اسلامی ایران برای افزایش نفوذ منطقه‌ای در قفقاز جنوبی به دلایل متعددی از اهمیت بالایی برخوردار است. کشورهای منطقه نیز اهداف بلندی را برای افزایش نفوذ منطقه‌ای خود ترسیم کرده‌اند (فیض‌پور و آسایش، ۱۳۹۲: ۸۶) و با توجه به اینکه نفوذ منطقه‌ای امری نسبی است، هرچه نفوذ یک کشور افزایش یابد، از نفوذ سایر کشورها کاسته خواهد شد. بدین‌سان، ابزارهای ایجابی و سلبی کشورهای منطقه، همچون ایدئولوژی پان‌ترکیسم، می‌تواند منجر به کاهش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه شود. مطلوب‌ترین وضعیت برای نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران هنگامی است که قدرت‌های خارجی به‌ویژه آمریکا و اسرائیل متعهد به پیمان‌های سیاسی و امنیتی و هویتی با کشورهای همسایه ایران نشوند (بایومی و همکاران، ۲۰۱۸). در منطقه قفقاز جنوبی، ایدئولوژی پان‌ترکیسم یکی از اصلی‌ترین عواملی است که پای قدرت‌های خارجی مداخله‌گر مانند رژیم صهیونیستی، آمریکا و ترکیه را به آن باز کرده است. ترکیه به‌عنوان رقیب و رژیم صهیونیستی به‌عنوان دشمن جمهوری



اسلامی ایران، بیش از سایر بازیگران با عامل پان‌ترکیسم سعی در کاهش نفوذ ایران در منطقه داشته‌اند. این امر بیشترین نمود خود در منطقه قفقاز جنوبی را، با توجه به اکثریت جمعیت شیعه در آن، در تقابل با تشیع و همچنین در ستیز با زبان فارسی نشان می‌دهد.

درباره شیعه‌ستیزی مبتنی بر ایدئولوژی پان‌ترکیسم در قفقاز، پیش‌تر مواردی بیان شد و در اینجا اشاره‌ای اجمالی به ستیز با زبان فارسی براساس این ایدئولوژی نیز لازم است. اهمیت زبان فارسی در سیاست‌های جمهوری اسلامی تاحدی است که در قوانین بالادستی نظام، تبیین مبانی اسلام و معرفی فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی، منوط به گسترش زبان فارسی در خارج از ایران شده است (رجبی و احمدوند، ۱۴۰۱: ۷۰). رهبری نیز بارها به لزوم تأثیرگذاری جمهوری اسلامی با ابزار زبان فارسی در منطقه و حتی در جهان تأکید کرده و بیان داشته‌اند که باید تلاش کرد نفوذ زبان فارسی در جهان طی پنجاه سال آینده به‌جایی برسد که هر کس در هر کجای دنیا خواست از تازه‌های علم آگاه شود، مجبور به فراگیری زبان فارسی باشد (خامنه‌ای، ۱۴۰۱ ج). پان‌ترکیسم در قفقاز جنوبی یکی از ابزارهای ستیز با زبان فارسی است و از نظر باورمندان به این ایدئولوژی، زبان فارسی بزرگ‌ترین مانع تکوین و تقویت پان‌ترکیسم است (تقوی، ۱۳۹۶: ۱۴۰). البته که این ادعا از نظر تاریخی صحیح است و با توجه به جایگاه تاریخی و ریشه‌دار زبان فارسی در منطقه قفقاز، این زبان می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای تقویت نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در قفقاز و همچنین، عاملی در جهت تضعیف ایدئولوژی پان‌ترکیسم باشد. جایگاه طبیعی زبان فارسی در این منطقه چنان بوده که به گفته برخی از مورخان، این زبان تا اواخر قرن نوزدهم، زبان ادبی اصلی قفقاز بوده و حتی زبان ترکی کهن رایج در آن، گویشی درجه دو و به‌شدت «فارسیزه‌شده» بوده است (سویتوخوفسکی، ۱۳۹۶: ۳۸). به همین خاطر است که مؤسس جمهوری آذربایجان، محمدامین رسول‌زاده، اذعان کرده جایگزینی «تدریس زبان ترکی» و «تدریس به زبان ترکی» با «تدریس زبان فارسی» و «تدریس به زبان فارسی»، یکی از الزامات این کشور برای تکوین هویت ترکی در جمهوری آذربایجان است (رسول‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۶). جایگاه طبیعی و تاریخی زبان فارسی چنان است که امروزه با وجود سال‌ها فارسی‌زدایی در این کشور، همچنان نام بسیاری از شهرها، مانند گنجه، بادکوبه، شروان، زنگلان، قبادلی، آستارا و غیره فارسی است (ساداتی و رستمی، ۱۴۰۲: ۱۳۹).

۳- تقابل پان‌ترکیسم با توسعه فرصت‌های اقتصادی در خارج

توسعه اقتصادی و ایفای نقش مؤثر در جریان صادرات و واردات کالاهای اولیه و صنعتی از

اهداف اقتصادی جمهوری اسلامی است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۱۴۴-۱۴۳). در منطقه قفقاز جنوبی، اسرائیل با رویکرد تضعیف توسعه اقتصادی ایران، با همکاری ترکیه و آمریکا سعی دارد ابتدا مانع گسترش اسلام سیاسی شود و ضمن ایجاد چالش هویتی برای ایران، تا جای ممکن از توسعه فرصت‌های اقتصادی برای جمهوری اسلامی ایران در این منطقه بکاهد (قوکاسیان، ۲۰۰۸: ۱۴۶). رژیم صهیونیستی با این سیاست می‌خواهد هم منافع اقتصادی خود، به‌ویژه در بحث انرژی را از طریق تأمین امنیت انتقال انرژی از قفقاز به اروپا تأمین کند و هم گروه‌بندی موردنظر کشورهای غربی را در قفقاز جنوبی تکمیل نماید (بایف، ۲۰۰۸: ۱۳۷). بر این اساس، در سال‌های اخیر، رژیم صهیونیستی روابط خود در حوزه‌های گوناگون اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی را با دولت باکو به میزان بسیار زیادی توسعه داده است (گکسل، ۲۰۱۵: ۶۵۵)؛ امری که در عمده حوزه‌های مزبور تهدیدی مستقیم برای اهداف و منافع جمهوری اسلامی در قفقاز جنوبی بوده است.

منطقه قفقاز به‌عنوان یک منطقه استراتژیک با ذخایر انرژی عظیم، به شکل ویژه‌ای موردتوجه غرب قرار دارد و مقامات غربی امیدوارند با استفاده از ضعف کشورهای این منطقه، حضور اقتصادی، سیاسی و نظامی خود را در آن تثبیت کنند. در این راستا، تقویت ایدئولوژی پان‌ترکیسم به‌عنوان رویکرد اصلی و علنی برخی از سازمان‌های مطالعاتی و امنیتی آمریکا، رژیم صهیونیستی و ترکیه در قفقاز امری قابل تأمل است؛ چراکه آن‌ها برای کنترل منابع نفت و گاز این منطقه و راه‌های انتقال آن به غرب، به دستکاری‌های هویتی مبتنی بر نژاد، قومیت و مذهب نیاز دارند. آمریکا و رژیم صهیونیستی برای بهره‌برداری از منافع اقتصادی خود، به‌ویژه در حوزه انرژی و ایجاد فشار بر روسیه و ایران، از ایدئولوژی پان‌ترکیسم استفاده می‌کنند و ترکیه نیز با استفاده از این ابزار، به دنبال ایجاد یک ژئوکالچر در منطقه است تا به منافع متعددی ناظر بر قدرت سخت و نرم خود برسد که در تقابل با اهداف و منافع جمهوری اسلامی ایران است. به همین خاطر، روابط استراتژیک با دولت باکو برای مقامات آنکارا چنان دارای اهمیت است که برخی از دولتمردان ترکیه‌ای به‌صراحت عنوان کرده‌اند که برای آنکارا موقعیت باکو نسبت به سایر مناطق، از جمله خاورمیانه و آسیای مرکزی مهم‌تر است و اگر در قفقاز، دولت باکو نتواند دست بالا را داشته باشد، آنکارا نمی‌تواند نفوذ خود در منطقه را افزایش دهد (داوداوغلو، ۲۰۰۹: ۱۱۹). برخی کارشناسان بر این باورند که آنکارا به شکل بی‌سابقه‌ای در حال برنامه‌ریزی برای پیشبرد اهداف سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک خود در منطقه قفقاز است (فولر، ۲۰۱۸: ۷۸).



در این راستا، علاوه بر بخش‌های دولتی ترکیه، بازیگران غیردولتی این کشور، حتی جریان‌های مخالف دولت مستقر در آنکارا مانند بنیاد فتح‌الله گولن، به صورت جدی برای پیشبرد اهداف ایدئولوژیک ترکیه در قفقاز جنوبی فعالیت می‌کنند (انیس، ۲۰۰۱: ۴۹).

ایالات متحده آمریکا نیز با توجه به رقابت فراگیر و چندبعدی خود با روسیه و همچنین، رقابت فراگیر و بیشتر اقتصادی با چین، به توسعه روابط خود با دولت باکو در منطقه قفقاز جنوبی توجه ویژه‌ای دارد تا از طریق آن، هم از حضور در کنار مرزهای ایران و روسیه اطمینان خاطر کافی داشته باشد و هم نسبت به تأمین امنیت انرژی و دستیابی به آسیای مرکزی، به منافع خود دست یابد (نیکل، ۲۰۱۴: ۹). در سال‌های اخیر، آمریکا به میزان قابل توجهی در جمهوری آذربایجان سرمایه‌گذاری کرده که همین امر نیز خود یکی از دلایل واشنگتن برای حضور در قفقاز شده است (جونز، ۱۳۷۸: ۲۹). برخی از کارشناسان بر این باورند که هدف ایالات متحده از نقش‌آفرینی در قفقاز، حمایت از دولت باکو و کمک به این کشور در جهت تضعیف نفوذ منطقه‌ای روسیه و جمهوری اسلامی ایران و عدم توسعه فرصت‌های اقتصادی آن‌ها در قفقاز جنوبی است (ابراهیمی و محمدی، ۱۳۹۰: ۶).

در مجموع، به نظر می‌رسد ایدئولوژی پان‌ترکیسم را می‌توان در زمینه توسعه فرصت‌های اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز نیز یک تهدید به‌شمار آورد. در تأیید این مدعا، می‌توان به تلاش‌های آشکار و پنهان آمریکا و رژیم صهیونیستی برای ایجاد هراس در بین دولتمردان باکو از جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد تا با وادار کردن آن‌ها به تحریک گسل‌های قومیتی در ایران به تهران فشار آورده تا با این رویکرد، سیاست‌های منطقه‌ای ایران را تحت تأثیر قرار دهند (زیباکلام و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۴). در این راستا، کمک به تأسیس «کنگره آذری‌های جهان» در شهر لس‌آنجلس آمریکا که با هدف تحریک ایرانیان آذری تشکیل شده نیز قابل توجه است (امیراحمدیان، ۱۳۸۴: ۳۶۷).

پان‌ترکیسم و تهدید اهداف حیاتی ایران

۱- پان‌ترکیسم و تهدید تمامیت ارضی ایران

حفظ تمامیت ارضی را می‌توان بالاترین و اساسی‌ترین هدفی دانست که همه کشورها بدون استثنا در صدد حفظ و تحصیل آن هستند (قاضی‌زاده، ۱۳۹۹: ۱۵۲). این مسئله به‌ویژه برای کشورهایی که تاریخ دیرین دارند و از این بعد دارای سوابقی از تهدید تمامیت ارضی خود در طول تاریخ هستند اهمیت دوچندانی می‌یابد. بعد تاریخی تهدید بدین معنا است که اگر یک دولت تجربه‌ای تاریخی از یک تهدید داشته باشد، شدت حساسیت به

آن تهدید یا تهدیدهای مشابه به آن بیشتر می‌شود. به‌عنوان مثال، روس‌ها به دلیل چندین تجربه تاریخی از تهاجم زمینی به این کشور، همواره تهاجم زمینی را یک تهدید برای خود می‌دانند؛ انگلستان و ژاپن نیز همین نگاه را نسبت به تهاجم دریایی دارند (بوزان، ۱۳۹۰: ۱۶۳). ایران نیز با توجه به اینکه سوابق و خاطرات تلخی از تهدید تمامیت ارضی خود دارد که به قیمت از دست رفتن بخش‌های زیادی از سرزمینش تمام شده است، باید بیش از سایر کشورها حساسیت داشته باشد. بر این اساس، ایدئولوژی‌های الحاق‌گرا مانند پان‌ترکیسم، حتی اگر تهدیدی مستقیم و فوری نباشد، جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند نسبت به آن کم‌توجه باشد. شایان توجه است که اهمیت تمامیت ارضی در جمهوری اسلامی ایران به میزانی است که در قانون اساسی کشور، در هشت اصل، مبتنی بر ادبیاتی با بالاترین اهمیت، بر آن تأکید شده است.

امروزه بیشترین تهدید تمامیت ارضی ایران منبعت از منطقه قفقاز و مبتنی بر ایدئولوژی پان‌ترکیسم موردنظر دولت باکو است. این امر چنان جدی و واضح است که در کتاب‌های درسی این کشور، به تمامیت ارضی ایران به‌صورت آشکار تهاجم می‌شود و از لزوم شکل‌گیری «آذربایجان بزرگ» سخن گفته می‌شود که در عمل شامل بخش‌های زیادی از جمعیت و قلمرو ایران می‌شود (احمدی، ۱۳۹۰: ۱۶۲). در میان همسایگان غیرعرب ایران، هیچ دولتی به اندازه دولت باکو علیه تمامیت ارضی ایران سیاست اعلامی نداشته و حتی برخی بر این باورند که اگر این دولت فرصت مناسبی به‌دست آورد، از هیچ تلاشی برای عملی کردن تهدید تمامیت ارضی ایران نیز فروگذار نخواهد کرد (برزویی، ۱۳۹۴: ۷۵). در میان کشورهای استقلال‌یافته پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، جمهوری آذربایجان به لحاظ فرهنگی و مذهبی نزدیک‌ترین کشور به ایران بود؛ اما به دلیل سیاست‌های پان‌ترکیستی دولت باکو، این کشور در بین تمامی همسایگان ایران، پیشتاز تقابل با جمهوری اسلامی ایران شد و هم‌اکنون نیز اصلی‌ترین پایگاه تهدید تمامیت ارضی ایران شده است (احمدی، ۱۳۹۶: ۶۵).

از جمله اقدامات رسمی دولت باکو در دوران معاصر که تهدیدی آشکار برای تمامیت ارضی ایران است، می‌توان به تلاش پارلمان دولت باکو در سال ۲۰۱۲ اشاره کرد که تغییر نام این کشور از جمهوری آذربایجان به «آذربایجان شمالی» در دستور کار قرار گرفت تا با این ابتکار، زمینه ایجاد «آذربایجان بزرگ» متشکل از آذربایجان ایران و جمهوری آذربایجان فراهم شود (فارن‌پالیسی، ۲۰۱۲). آکادمی علوم دولت باکو نیز اطلسی را منتشر کرده که در آن



بخش‌هایی از ایران جزئی از خاک دولت باکو معرفی شده است (جیلس، ۲۰۰۸: ۴۵). همچنین، در تمامی سطوح این کشور گفتمانی در تضاد با تمامیت ارضی ایران با عنوان وحدت «آذربایجان شمالی» و «آذربایجان جنوبی» نهادینه شده است (فولر، ۱۳۹۸: ۱۹۹). بسیاری از افراد، تحت‌تأثیر این گفتمان پان‌ترکیستی دولت باکو، از مناطق شمال و شمال غربی ایران با عنوان «آذربایجان جنوبی» یاد می‌کنند (شفر، ۲۰۱۷: ۱۰۷). این موارد نشان‌دهنده این امر است که امروزه ایدئولوژی پان‌ترکیسم تهدیدی جدی برای تمامیت ارضی ایران به‌شمار می‌رود و جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند و نباید نسبت به آن غفلت ورزد.

۲- پان‌ترکیسم و تهدید وحدت ملی در ایران

حفظ وحدت قومی، مذهبی و زبانی، پس از حفظ موجودیت و دفاع از منافع استراتژیک، ارزش‌ها یا منافع حیاتی برجسته هر کشوری است (هالستی، ۱۳۹۴: ۲۲۴). مسئله وحدت و همبستگی ملی کشورها چنان دارای اهمیت است که بری بوزان معتقد است تا زمانی که دولت‌ها مسئله وحدت ملی خود را حل نکنند، همواره با مسائلی مانند تجزیه‌طلبی، مداخله بیگانگان، بی‌ثباتی و کشمکش داخلی روبه‌رو خواهند بود (بوزان، ۱۳۹۰: ۹۵). اگر کشوری به موضوع وحدت ملی خود توجه کافی نداشته باشد، احتمال دارد به دلیل اقدامات دولت‌های همسایه و تلاش آن‌ها با عنوان «آزادسازی خویشاوندان خود»، کشور به شکل «مناطق برخورد» درآید و عملیات‌های براندازی و گاه رقم زدن جنگ‌های قومیتی بروز و ظهور کند؛ به همین خاطر، حکومت‌ها حفظ وحدت ملی خود را بالاترین هدف سیاست خارجی قرار می‌دهند (هالستی، ۱۳۹۴: ۲۲۴). اهمیت وحدت ملی، در اظهارات مقامات عالی جمهوری اسلامی قابل توجه است. در تحلیل محتوای کتاب *صحیفه نور*، ۱۳/۷ درصد از جملات بنیان‌گذار جمهوری اسلامی مربوط به وحدت است (شایگان، ۱۳۸۱: ۱۰۸). به‌عنوان نمونه، «جوان‌های ما شهید شدند برای این بود که وحدت کلمه حفظ شود تا پیروز بشویم. ان‌شاءالله و من امیدوارم که با وحدت کلمه و قدرت ایمان، ما این راه را تا آخر برسانیم؛ آن‌طوری که می‌خواهیم» (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۵: ۲۷۲).

ایدئولوژی پان‌ترکیسم را می‌توان تهدیدی جدی برای وحدت ملی در ایران دانست. عدم مقابله با این ایدئولوژی باعث افزایش احساسات قوم‌گرایانه و حتی تجزیه‌طلبانه در بخش‌هایی از ایران (آذربایجان) می‌شود که دارای جمعیت ترک‌زبان هستند. به‌ویژه که در حال حاضر، ایدئولوژی پان‌ترکیسم در منطقه قفقاز جنوبی به‌صورت سازمان‌دهی شده دنبال می‌شود. در این راستا، روز ۳۱ دسامبر توسط دولت باکو به‌عنوان روز وحدت آذربایجانی‌های جهان اعلام و تعطیل رسمی شده است (دادگر، ۱۳۹۴: ۳۳۷). از سال ۲۰۰۱

تاکنون، هر سال مبلغ هنگفتی از سوی الهام علی‌اف برای پشتیبانی از مراکز آذربایجانی‌های جهان مقرر شده و شبکه‌های تلویزیونی دولتی این کشور در بیشتر سال‌ها سران احزاب سیاسی پان‌ترکیستی را گرد هم می‌آورند تا درباره موضوع امکان وحدت دو آذربایجان با یکدیگر بحث کنند (افشردی، ۱۳۸۱: ۲۳۲). طبیعی است که جمهوری اسلامی ایران با توجه به حضور گروه‌های زبانی در جغرافیای سیاسی ایران نمی‌تواند و نباید نسبت به مسئله قومیت‌گرایی منبعت از ایدئولوژی پان‌ترکیسم بی‌تفاوت باشد. به‌ویژه آنکه قومیت، ماهیتی ابزاری نیز دارد که می‌تواند توسط نیروهای متخاصم مورد بهره‌ر قرار گیرد. «پل براس» از جمله اندیشمندانی است که به ماهیت ابزاری قومیت تأکید دارد (براس، ۱۹۹۱: ۴۷) و بر این اساس، قومیت می‌تواند به ابزاری جهت انجام کنش‌های جمعی در یک جامعه هدف تبدیل شود (کریمی، ۱۳۹۶: ۱۵۴)؛ امری که در نهایت نیز می‌تواند منجر به تشکیل سازمان‌های قومیتی شود (ناگل و ازلاک، ۱۹۸۲: ۱۳۰) و وحدت و همبستگی ملی کشور را با تهدید جدی روبه‌رو کند.

۳- پان‌ترکیسم و تهدید امنیت ملی ایران

به‌طور معمول، رویکردهای سنتی به مسئله امنیت، متوجه نقش دولت‌ها و به‌ویژه مبتنی بر امنیت نظامی و سیاسی بوده است؛ اما اگر ملت‌ها را کانون توجه خود قرار دهیم، در این صورت، بخش اجتماعی امنیت را مورد مطالعه قرار داده‌ایم. زیربنای بخش اجتماعی نیز هویت ملی است که تهدید آن را می‌توان تهدید امنیت ملی قلمداد کرد. مسائل نژادی، قومیتی، مذهبی و زبانی، ساحت امنیت ملی کشورها را مورد هدف قرار می‌دهند (بوزان، ۱۳۹۰: ۱۵۹). از مباحث مهم در امنیت ملی، امکان تبدیل بخشی از شهروندان یک کشور به‌عنوان ستون پنجم احتمالی در حمایت از منافع دولت رقیب یا دولت متخاصم است. مسائل مربوط به زبان، مذهب و فرهنگ ملی در تفکر امنیتی کشورها بسیار مؤثرند و حفاظت و حمایت از آن‌ها در برابر واردات ایدئولوژی‌های سلطه‌جو و منحرف‌کننده برای دولت‌ها ضرورت دارد. از منظر امنیت ملی، مسئله اصلی تهدیدهای اجتماعی این است که اغلب آن‌ها در داخل کشور واقع شده‌اند و تهدید آن‌ها از خارج، تهدیدی داخلی نیز به‌شمار می‌آید. به همین دلیل است که کشورهای جهان در فرایند ملت‌سازی، بیشترین تلاش را برای تضعیف و یا به تعبیری دیگر، خاموش کردن هویت‌های اجتماعی فروملی دارند (بوزان، ۱۳۹۰: ۱۴۷).

امنیت ملی در نظرگاه سیاسی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران جایگاه ویژه‌ای دارد. به‌ویژه آنکه به اعتقاد رهبران و کارگزاران کشور، از ابتدای انقلاب اسلامی، تهدیدهای ترکیبی علیه



جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته است (تیکیه، ۲۰۰۶: ۱۱۵). رهبری جمهوری اسلامی، ضمن تبیین امنیت ملی در دو بعد داخلی و خارجی، اصلی‌ترین نیاز ملت ایران را امنیت می‌داند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱ ب). بدون شک تهدیدهای منبعت از قومیت یکی از اساسی‌ترین تهدیدهای ترکیبی علیه ایران است. در این راستا، ایدئولوژی پان‌ترکیسم که به‌طور مشخص در منطقه قفقاز جنوبی توسط بازیگران مؤثر در این منطقه دنبال می‌شود، تهدیدی جدی برای امنیت ملی ایران است (جانسیز و همکاران، ۱۳۹۵: ۶). آرمان هدف‌های ایران در قفقاز، حفظ تمامیت ارضی و امنیت ملی کشور است و به همین خاطر، نگران حضور قدرت‌های مداخله‌گر خارجی و رواج ایدئولوژی‌های قومیت‌گرایانه در این منطقه است (احتشامی، ۲۰۰۲: ۲۰۳). بدین‌سان، جمهوری اسلامی ایران جهت صیانت از امنیت ملی خود باید آمادگی کافی برای مقابله با ایدئولوژی پان‌ترکیسم در این منطقه را داشته باشد. مهم‌ترین رویکرد در این زمینه برخورد ایجابی و حتی سلبی با هرگونه جریان یا افرادی است که به ترویج ایدئولوژی پان‌ترکیسم در ایران می‌پردازند. به‌ویژه آنکه سکونت‌گروه‌های زبانی ایرانی در مناطق مرزی همجوار با کشورهای هم‌زبان خود، می‌تواند زمینه مساعدی برای وقوع تنش‌های قومیتی و زبانی را فراهم کند (امام‌جمعه‌زاده و مهدیان، ۱۳۹۳: ۲۹۸).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این نوشتار، ضمن تبیین مبانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران، مشخص شد که در منطقه قفقاز جنوبی، ایدئولوژی پان‌ترکیسم به‌عنوان یک تهدید حیاتی برای ایران، در تمامی سطوح سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران، از جمله ایده‌ی انقلاب اسلامی، به‌عنوان یک تهدید جدی قابل‌شناسایی است. اهداف بلندمدت جمهوری اسلامی ایران همچون ساختن نظم جدید جهانی و وحدت کشورهای اسلامی، اهداف میان‌مدت شامل ترویج ارزش‌های خود در خارج از مرزها، نفوذ منطقه‌ای و توسعه‌ی فرصت‌های اقتصادی در خارج و اهداف حیاتی نیز همچون یکپارچگی سرزمینی یا تمامیت ارضی، وحدت ملی و امنیت ملی، جملگی از سوی ایدئولوژی پان‌ترکیسم با تهدید جدی مواجه هستند. قفقاز جنوبی یکی از مناطق مهم در نقشه‌ی ژئوپلیتیکی ایران است. همچنین، این منطقه یکی از مجموعه‌های امنیتی در جهان و متشکل از واحدهای مستقل ملی و فروملی و بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است که مشکلات و مسائل امنیتی و هویتی در آن، مناطق مجاور از جمله ایران را به‌شدت تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. نظر به همین اهمیت، در سال‌های اخیر و در پی رخدادهای تازه به‌وجودآمده در آن، به‌ویژه جنگ دوم قراباغ،

مقامات عالی جمهوری اسلامی ایران هرگونه تغییر و تحول در ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی را از خطوط قرمز ایران عنوان کردند. امروزه مسائل ژئوپلیتیکی امری نیست که فقط در حوزه مسائل امنیت سخت بدان توجه شود، بلکه در مسائل امنیتی نرم مانند موضوعات هویتی نیز به آن توجه می‌شود. ایدئولوژی پان‌ترکیسم در قفقاز جنوبی یک مسئله امنیتی نرم و در واقع، یک تهدید هویتی و امنیتی جدی برای ژئوپلیتیک ایران در این منطقه است. بر این اساس، تمامی ایدئولوژی‌های مبتنی بر نژاد و قومیت، تهدیدی برای تمامیت ایران و همچنین، سد راهی در برابر پیشبرد سیاست‌های موردنظر جمهوری اسلامی ایران، از جمله ایده انقلاب اسلامی است. به دیگر سخن، پان‌ترکیسم یک ایدئولوژی الحاق‌گرا است که هدف غایی آن، ایجاد کشوری سراسر ترک است و همین مسئله به‌تنهایی این ایدئولوژی را به تهدیدی برای پیگیری ایده انقلاب اسلامی تبدیل می‌کند. در نتیجه، جمهوری اسلامی ناگزیر است که در سطح منطقه قفقاز جنوبی، نه‌تنها برای پیگیری سیاست‌های خود، بلکه برای حفظ تمامیت سرزمینی کشور و موجودیت نظام، سیاست‌های مشخصی را در مقابله با این ایدئولوژی تدوین کند و به‌کار گیرد. بدین‌سان، ایران برای مقابله با ایدئولوژی پان‌ترکیسم در قفقاز جنوبی، باید چه در شکل سیاست‌های ایجابی و چه در شکل سیاست‌های سلبی، تدابیر لازم را داشته باشد؛ چراکه به دلیل مسائل خاص ژئوپلیتیکی در منطقه مزبور، ممکن است تنش‌های هویتی و قومیتی منبث از ایدئولوژی پان‌ترکیسم، از قفقاز جنوبی به داخل کشور نیز سرریز شود و امنیت داخلی ایران را هم تهدید کند.

منابع

- ابراهیمی، شهرز؛ محمدی، مصطفی (۱۳۹۰). «رقابت روسیه و آمریکا در قفقاز جنوبی (۲۰۱۰ - ۱۹۹۱)»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی. ش ۸: ۲۲-۱.
- احمدی، حسین (۱۳۹۰). «بررسی کتاب‌های درسی جمهوری آذربایجان (با تأکید بر کتاب‌های تاریخی)»، فصلنامه مطالعات ملی. سال دوازدهم. پیاپی ۴۶. ش ۲: ۱۸۴-۱۵۷.
- ----- (۱۳۹۶). بررسی کتب درسی جمهوری آذربایجان. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر.
- اخوان مفرد، حمیدرضا (۱۳۸۰). «ایدئولوژی انقلابی امام خمینی احیای تشیع»، نشریه قیسات. ش ۲: ۵۸-۵۰.
- اسدی، حسین (۱۳۸۵). «روابط آذربایجان با آمریکا و اسرائیل و سردی روابط با جمهوری اسلامی ایران». دانشگاه تهران: پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- افشردی، محمدحسین (۱۳۸۱). ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: دانشکده دوره عالی جنگ.
- افشردی، محمدحسین؛ اکبری، حسین (۱۳۹۲). «تأثیر عوامل ژئوپلیتیکی شیعه بر توسعه نفوذ انقلاب اسلامی»، فصلنامه آفاق امنیت. سال ششم. ش ۲۰: ۷۰-۴۵.



- امام‌جمعه‌زاده، جواد؛ مهدیان، حسین (۱۳۹۳). «شکاف‌های قومی - مذهبی مؤثر بر امنیت ملی ایران»، فصلنامه جغرافیا. ش ۴۱: ۳۱۶-۲۹۷.
- امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۴). *روابط ایران و جمهوری آذربایجان: نگاه آذری‌ها به ایران*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۱). *صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی (ره)*. گردآوری توسط مرکز فرهنگی انقلاب اسلامی.
- برزویی، مجتبی (۱۳۹۴). «جمهوری آذربایجان، تهدید امنیت ملی ایران»، *جمهوری آذربایجان*، ۲۳ سال تکاپو برای دولت و ملت‌سازی. به کوشش حسین احمدی. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- بوزان، باری (۱۳۹۰). *مردم، دولت‌ها، هراس*. ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری؛ ویور، آلی (۱۳۸۸). *مناطق و قدرت‌ها*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پاک‌آئین، محسن (۱۴۰۱). «چرا ایران مخالف صریح برهم‌خوردن مرزهای جغرافیایی منطقه قفقاز است؟». در: <https://khl.ink/f/50682>. تاریخ آخرین دسترسی: ۱۴۰۲/۱۰/۱۲.
- تقوی، محمدتقی (۱۳۹۶). «نقد کتاب تاریخ کلاس دهم جمهوری آذربایجان»، *بررسی کتب درسی جمهوری آذربایجان*. به کوشش حسین احمدی. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر.
- جانسیز، احمد؛ علی‌پور، مهرداد؛ میرزایی، مهرداد (۱۳۹۵). «علل واگرایی بین ایران و جمهوری آذربایجان در پرتو نظریات امنیت منطقه‌ای»، *همایش بین‌المللی بحران‌های ژئوپلیتیکی جهان اسلام*. تهران: مؤسسه آینده‌پژوهی جهان اسلام.
- جونز، اسکات (۱۳۷۸). «منافع استراتژیک ترکیه در قفقاز»، *مجله سیاست دفاعی*. ترجمه: سعید سعادت حسینی دمایی. ش ۲۹ و ۳۰: ۵۲-۳۲.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۹). «بیانات در دیدار اعضای ستاد برگزاری کنفرانس جهانی اهل‌بیت (ع)». در: <https://khl.ink/f/2294>. تاریخ آخرین دسترسی: ۱۴۰۲/۱۱/۱۳.
- ----- (۱۳۸۱). «بیانات در مراسم سیزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)». در: <https://khl.ink/f/3126>. تاریخ آخرین دسترسی: ۱۴۰۲/۱۰/۱۳.
- ----- (۱۳۹۱). «گزیده بیانات؛ وحدت اسلامی، مسئله استراتژیک». در: <https://khl.ink/f/21957>. تاریخ آخرین دسترسی: ۱۴۰۲/۱۱/۰۸.
- ----- (الف ۱۴۰۱). «بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان». در: <https://khl.ink/f/50102>. تاریخ آخرین دسترسی: ۱۴۰۲/۱۰/۱۸.
- ----- (ب ۱۴۰۱). «امنیت، اصلی‌ترین نیاز مردم و کشور». در: <https://khl.ink/f/51109>. تاریخ آخرین دسترسی: ۱۴۰۲/۱۲/۲۸.
- ----- (ج ۱۴۰۱). «دیدار کارآفرینان، تولیدکنندگان و دانش‌بنیان‌ها با رهبر انقلاب». در: <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=51832>. تاریخ آخرین دسترسی: ۱۴۰۲/۰۵/۱۶.
- دادگر، سیاوش (۱۳۹۴). «اقدامات ضداسلامی و ضدایرانی جمهوری آذربایجان در چند سال اخیر»، *جمهوری آذربایجان*، ۲۳ سال تکاپو برای دولت و ملت‌سازی. به کوشش حسین احمدی. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۹۱). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: سمت.
- رجبی، ابوالفضل؛ احمدوند، شجاع (۱۴۰۱). «سیاست‌گذاری زبانی و جایگاه زبان فارسی در سیاست‌های

- زبانی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، ش. پ ۸۹، سال بیست و سوم، ش ۱: ۷۷-۵۵.
- رسول‌زاده، محمدامین (۱۳۹۲). جمهوری آذربایجان، چگونگی شکل‌گیری و وضعیت کنونی آن، ترجمه: تقی سلام‌زاده. تهران: پردیس دانش.
- رضا، عنایت‌الله (۱۳۸۳). دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۳. مدخل پان‌ترکیسم. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- زیباکلام، صادق؛ آخوندی، هادی؛ کیانی، علی‌نقی (۱۳۹۳). «امریکا و تأثیر آن بر دستیابی ایران به هدف‌های خود در منطقه قفقاز (مطالعه موردی: جمهوری آذربایجان)»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال هفتم، ش ۱: ۱۰۰-۸۱.
- ساداتی، مهرانه؛ رستمی، محمدرسول (۱۴۰۲). «جایگاه زبان و ادبیات فارسی در دیپلماسی فرهنگی ایران در منطقه قفقاز»، فصلنامه مطالعات ملی، ش. پ ۹۷، سال بیست‌وپنجم، ش ۱: ۱۵۶-۱۳۳.
- سرحدچی، محمد (۱۳۹۴). «آزادی وجدان در جمهوری آذربایجان»، جمهوری آذربایجان، ۲۳ سال تکاپو برای دولت و ملت‌سازی. به کوشش حسین احمدی. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، در: <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=9034>. تاریخ آخرین دسترسی: ۱۴۰۲/۱۱/۲۶.
- سویتوخوفسکی، تادیوش (۱۳۹۶). آذربایجان و روسیه (۱۹۰۵-۱۹۲۰)، شکل‌گیری هویت ملی در یک جامعه مسلمان. ترجمه: کاظم فیروزمند. تهران: نشر شادگان.
- شایگان، فریبا (۱۳۸۱). «بررسی اهداف، ایدئال‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران از دیدگاه امام خمینی (ره)». نشریه علوم اجتماعی، شماره ۲۰: ۱۲۴-۹۵.
- عبدی، عطاءالله؛ کاویانی‌راد، مراد؛ سیف‌الدینی، حسین (۱۳۹۸). «بررسی علت وجودی جمهوری آذربایجان»، فصلنامه مطالعات ملی، ش. پ ۷۸، سال بیستم، ش ۲: ۴۴-۲۶.
- فلاح، رحمت‌الله (۱۳۸۹). راهبردهای اسرائیل در اوراسیا (با تأکید بر آسیای مرکزی و قفقاز). تهران: مؤسسه اندیشه‌سازان نور.
- فولر، گراهام (۱۳۹۸). قبله عالم ژئوپلیتیک ایران. ترجمه: عباس مخبر. تهران: نشر مرکز.
- فیض‌پور، محمدعلی؛ آسایش، فاطمه (۱۳۹۲). «توسعه‌یافتگی در ایران و مقایسه آن با کشورهای منطقه؛ سند چشم‌انداز»، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست‌ویکم، ش ۷۸: ۱۱۹-۸۵.
- قاضی‌زاده، علی‌رضا (۱۳۹۹). مبانی امنیت ملی. چاپ اول. تهران: ابرار معاصر.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۷). تهیه و تنظیم: محمد فتحی، کاظم کوهی اصفهانی، تهران: شورای نگهبان، پژوهشکده شورای نگهبان.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۹۱). اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل. تهران: سمت. چاپ هجدهم.
- کریمی، علی (۱۳۹۶). درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی تنوع قومی، مسائل و نظریه‌ها. تهران: انتشارات سمت.
- کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۹۵). صهیونیسم در آذربایجان چه می‌کند؟. تهران: انتشارات خبرگزاری فارس.
- کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۹۶). مجموعه امنیتی قفقاز جنوبی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گلستانه، احمد (۱۳۹۳). «اصول و مبانی انقلاب اسلامی»، در: <https://tn.ai/642688>. تاریخ آخرین دسترسی: ۱۴۰۲/۱۰/۱۶.
- مظاهری، ابوذر (۱۴۰۰). آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی. تهران: سمت. چاپ اول.
- هالستی، کی. جی (۱۳۹۴). مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل. ترجمه: بهرام مستقیمی و مسعود طارم‌سری. تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه.

- هانتز، شیرین (۱۳۸۲). «سیاست منطقه‌ای عملگرایانه ایران»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز. سال دوازدهم. ش ۴۳: ۲۷۲-۲۴۱.
- Baev, K Pavel (2008). *Russian Energy Policy and Military Power*. Abingdon: Rutledge.
 - Bayoumy, Yara & Landy Jonathan & Stobel, Warren (2018), "Trump seeks to revive 'Arab NATO' to confront Iran", Available at: <https://www.reuters.com/article/idUSKBN1KH2IJ/>, (Accessed on: 2024/01/06).
 - Brass, Paul (1991). *Ethnicity and Nationalism, Theory and Comparison*. London: Sage Publications.
 - Cornell, Svante E (2006). *The Politicization of Islam in Azerbaijan*. Washington DC: Central Asia-Caucasus Institute.
 - Davutoğlu, Ahmet (2009). *Stratejik Derinlik: Türkiye'nin İslararası Konumu*. İstanbul: Küre Yayınları.
 - Ehteshami, Anoushiravan (2002). "The foreign policy of Iran", *foreign policies of Middle East states*. London: Lynne Rienner publisher: 283-309.
 - Fenz, Hendrik (2004), "The Limits of Democratization in Postauthoritarian States: The Case of Azerbaijan", *OSCE Yearbook 2004*, Hamburg: Institute for Peace.
 - Foreignpolicy (2012). "Azerbaijan to change name to Northern Azerbaijan to annoy Iran?", Available at: <https://foreignpolicy.com/>, (Accessed on: 2024/01/29).
 - Fuller, Graham (2018). *The New Turkish Republic: Turkey as a Pivotal State in The Muslim World*, Washington: Washington DC.
 - Ghokassian, Khatchik (2008). "Instability in the New Imperial Periphery: A Conceptual Perspective of the Turbulent Frontiers in The Caucasus and Central Asia", *International Affairs*. Vol 2. No 3: 146-155.
 - Gilles, Riox (2008), "The Formative Years Of Azerbaijan Nationalism in Post-Revolutionary Iran", *Central Asian Survey*. Vol 27. No 1: 45-58.
 - Göksel, Oğuzhan (2015). "Beyond Countering Iran: A Political Economy of Azerbaijan-Israel Relations", *British Journal of Middle Eastern Studies*. Vol 42. No 4: 655-675.
 - Matevosyan, Vahram and Minasyan, Nelli (2017). "Praying Under Restrictions: Islam, Identity and Social Change in Azerbaijan", *Europe-Asia Studies*. Vol 69: 819-837.
 - Mordechai, Kedar (2024). "The secret to taking down the Iranian regime: Iran's ethnic minorities opinion", Available at: <https://www.jpost.com/opinion/article-791633>, (Accessed on: 2024/03/13).
 - Nagel, Joane & Olzak Susan (1982). "Ethnic Mobilization in New and Old States: An Extension of the Competition Model", *Social Problems*. Vol 30. No 2: 127-143.
 - Nichol, Jim (2014). "Armenia, Azerbaijan, and Georgia: Political Developments and Implications for U.S. Interests", *Congressional Research Service*. Available at: <https://fas.org/sgp/crs/row/RL33453.pdf> (Accessed on: 2017/11/04).
 - Onis, Ziya (2001). "Turkey and Post-Soviet States: Potential and Limits of Regional Power Influence", *Middle East Review of International Affairs*. Vol 5. No 2: 30- 49.
 - Operativ (2019). "Abbas Hüseyn yenidən dəhşətli işğəncələrə məruz qalıb", Available at: <http://operativ.tv/abbas-huseyn-yenidn-dhstli-ışgnclr-mruz-qalıb.html> (Accessed on: 2019/02/01).
 - Shaffer, Brenda (2017). "The Islamic Republic of Iran's Policy Toward the Nagorno-Karabakh Conflict", *The International Politics of the Armenian-Azerbaijani Conflict*. United Kingdom: Palgrave Macmillan.
 - Takeyh, Ray (2006). *Hidden Iran: Paradox and Power in the Islamic Republic*. New York: Times Book.
 - veten-ugruna.az (2019). "Eldəniz Quliyev: İnançlıları kütləvi şəkildə həbs edirlər-SƏBƏBİ... ", Available at: <http://veten-ugruna.az/>, (Accessed on: 2019/04/08).
 - Yunus, Arif (2006). "Azerbaijan Between America and Iran", *Russia in Global Affairs*. Vol 4. No 2.